

# قتل از روی ترحم (اتانازیا) از منظر حقوق جزای افغانستان

محمد نصیر نادری<sup>۱</sup>

عبدالخالق فصیحی<sup>۲</sup>

## چکیده

اتانازیا (euthanasia) یک واژه یونانی و به طور کلی به معنای مرگ راحت و به مرگی یا به کشی است. اتانازیا رفتار عمدی با هدف انسان دوستانه یا ترحم به انسان است که به خاتمه دادن حیات دیگری (معمولاً بیمار لاعلاج) منجر می شود تا او از رنج بیماری خلاصی یابد و به آرامش برسد. اتانازیا در قرن بیستم بعد از آنکه شامل مباحث پزشکی شد، پای علم حقوق و اخلاق را نیز به میدان کشید تا از سوءاستفاده افراد در رابطه با قشر آسیب پذیر جامعه (بیماران) جلوگیری نماید. مطالب این تحقیق به صورت کتابخانه ای جمع آوری و با استفاده از روش تحلیلی توصیفی، تدوین شده است. یافته های تحقیق نشان می دهد که هر چند در قوانین برخی کشورها اتانازیا با شرایط خاص تصویب شده؛ اما در کد جزای افغانستان به علت عامدانه بودن فعل و نتیجه مجرمانه در انواع اتانازیا، می توان آن را از مصادیق قتل عمد محسوب کرد؛ زیرا کد جزای افغانستان اکراه جانی و رضایت مجنی علیه در قتل را از موانع مسئولیت جزایی نمی داند؛ اما در صورت شرافتمندانه بودن انگیزه ارتکاب جرم و ابراء توسط مجنی علیه، مرتکب شامل تخفیف جزایی می شود.

**کلیدواژه ها:** قتل، قتل از روی ترحم، اتانازیا، کد جزای افغانستان

۱. گروه حقوق جزا و جرم شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، کابل، افغانستان. (نویسنده مسئول)  
۲. گروه فقه قضایی، مجتمع عالی فقه و معارف اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، بامیان، افغانستان.



## مقدمه

به‌کشی (euthanasia) یک واژه یونانی و مرکب از دو بخش «Eu» به معنای (خوب و راحت) و «thanasia» به معنی (مرگ) مشتق شده از «Thanatos» (الهه مرگ) است که به‌طور کلی به‌کشی به معنای مرگ راحت، خوش‌مرگی و به‌مرگی است. این واژه در مقابل «Eudaimoneia» به معنای (خوش‌زیستی) یا (به‌زیستی) قرار دارد. در ترجمه این کلمه به زبان فارسی با معادل‌هایی چون مرگ آسان، مرگ شیرین، به‌مرگی، مرگ داوطلبانه و قتل ترحم‌آمیز برمی‌خوریم. (سید قریشی و سلطانی ۱۳۹۵: ۷۸) این اصطلاح در اوایل با مسائل پزشکی ارتباطی نداشت و به‌مرگی ناگهانی که فرد بدون درد و رنج در زمانی بسیار کوتاه از دنیا تجربه می‌کرد، اطلاق می‌شد. چه این مرگ به شکل طبیعی باشد (که در حالت خواب بمیرد) یا به‌صورت تصادفی با ضربه چیزی در حال جنگ یا غیر جنگ؛ اما به‌کشی در قرن بیستم بعد از آنکه شامل مباحث پزشکی شد، پای علم حقوق و اخلاق را که مرز باید‌ها و نبایدها را مشخص می‌کند، به میدان کشید. چون بیش از همه این علم حقوق است که وظایف را مشخص می‌کند و مانع بی‌نظمی‌ها در اجتماع می‌شود، خصوصاً در رابطه با قشر آسیب‌پذیر جامعه (بیماران) تا از سوءاستفاده از این افراد جلوگیری نماید.

بحث از دو بعد حقوقی و اخلاقی در مسئله قتل از روی ترحم، از آن جهت محوریت دارد که عنوان از دو کلمه حقوقی (قتل) و اخلاقی (ترحم‌آمیز) ترکیب شده است؛ یعنی باید دید قتلی که از روی ترحم و دلسوزی نسبت به شخص انجام می‌شود، در کد جزای افغانستان چگونه جرم‌انگاری شده است. از سوی دیگر آیا از بعد اخلاقی، ترحم که یک فضیلت است درباره خاتمه دادن به حیات افراد، چه نقشی برای مرتکب خواهد داشت؟ درباره جرم بودن قتل از نظر حقوق جزای افغانستان و سایر نظام‌های حقوقی جهان و ردیلت بودن آن از بعد اخلاقی بحثی نیست. در تحقق جرم بر اساس حقوق جزای موضوعه، عناصر مختلف مادی و معنوی و قانونی نقش دارند. بنابراین نبود یکی از این عناصر، وصف مجرمانه بودن عمل را ساقط می‌کند. به‌کشی از منظر مرتکب، به‌فعال و انفعالی (منفعل) و از منظر قربانی، به داوطلبانه



(خواسته) و غیر داوطلبانه (ناخواسته) تقسیم شده است که از میان آن‌ها، آنچه از زاویه حقوق جزای افغانستان و اخلاق قابل بحث است، نوع منفعل آن است؛ زیرا در این نوع به‌کشی نظر به تشخیص متخصص، ادامه تداوی و مراقبت فایده‌ای ندارد یا هم استفاده دستگاه حفاظتی برای شخصی دیگر که بهبودی‌اش وابسته به آن است، ضروری است. درحالی‌که برای شخص اول استفاده از دستگاه فایده‌ای ندارد و این مریضی شخص است که او را به کام مرگ می‌کشاند، نه پزشک. درعین حال این کار تسریع در مرگ وی محسوب می‌شود. انواع دیگر به‌کشی اگرچه در برخی کشورها قابل قبول است؛ اما در دایره حقوق جزای افغانستان جایگاهی ندارد.

با در نظر داشت این‌که انسان همواره با بیماری‌های مختلف دست و پنجه نرم می‌کند و گاهی این بیماری‌ها به هر علتی (ضعف اقتصادی برای ادامه تداوی، شدت درد، ناامیدی از بهبودی و بی‌فایده بودن ادامه تداوی به تشخیص پزشک)، بیمار یا دیگران را متقاعد می‌کند که این نوع زندگی خاتمه یابد. این تحقیق از آن جهت ضرورت و اهمیت دارد که بابتی را در این زمینه در فضای افغانستان باز کند تا پژوهش گسترده‌تری در این زمینه صورت بگیرد. همچنین در این تحقیق کوشش بر این است که برای جلوگیری از سوءاستفاده پزشکان نسبت به وضعیت بیماران لاعلاج یا صعب‌العلاج با بیان کردن احکام قانونی و شرعی این مسئله مانع ارتکاب این جرم شده و نیز افراد متخصص و پزشکان با آگاه شدن از جرم بودن این پدیده مرتکب آن نشده و خود را ضامن حیات افراد نسازند.

تا جایی که نگارنده می‌داند بحث به‌کشی و قتل ترحم‌آمیز در فضای علمی افغانستان مطرح نشده است. افزون براین، این بحث با تکیه بر حقوق افغانستان ارائه نشده است. نگارنده می‌کوشد که با طرح این مسئله ولو به اختصار، بابتی را در این زمینه باز کند تا دیگران در مقاطع بالاتر بحث جدی‌تر را در این زمینه دنبال کنند و نیز مسئولین حقوقی کشور و قانون‌گذاران به علت شناخته شده بودن این پدیده (اتانازیا) در سطح جهانی، برای جرم‌انگاری آن مواضع قانونی واضح‌تری را اتخاذ نمایند.

## ۱. مفهوم شناسی

### ۱-۱. معنای لغوی و حقوقی مرگ

مرگ در لغت به معنای نیستی، فنا و موت آمده؛ (عمید ۱۳۸۹: ۱۰۷۸) اما در متون حقوقی مرگ را چنین تعریف نموده‌اند: «مرگ در برابر حیات است. انسان هنگامی از نعمت حیات بهره‌مند است که اعضای بدن او بتواند وظایف حیاتی جسمی (اعم از داخلی و خارجی) و روانی خویش را انجام دهد. هنگامی که از انجام دادن این وظایف برای همیشه عاجز شد، مرگ قطعی انسان فرامی‌رسد». (کریمی ۱۳۹۱: ۴۷ و ۴۸)

برای اینکه روشن شود مجنی علیه در چه زمانی به صورت قطعی مرده است تا مرتکب به عنوان قاتل محاکمه و مجازات شود و معلوم شود که شخص وارد کننده ضربه و جراحت به مجنی علیه مرتکب قتل شده است یا مرتکب جرم علیه مرده و نیز برداشتن اعضای حیاتی او برای پیوند زدن به منظور نجات حیات بیماران در حال مرگ جایز است یا نه باید انواع مرگ را بررسی کرد:

الف. مرگ ظاهری: حالت اغمای عمیقی است که بر اثر مصرف بیش از حد مواد مخدر، دواهای روان‌گردان و مسکن‌های قوی پیش می‌آید و موجب ضعف شدید حرکات تنفسی و احساس نکردن تپش قلب و سردی انتهای بدن می‌شود. این حالت، مرگ ظاهری را به شکل مرگ واقعی جلوه می‌دهد. مرگ ظاهری پایان حیات انسان نیست. اگر کسی، شخصی را در حالت مرگ ظاهری بکشد، حسب مورد، بر اساس عنصر روانی خویش، مرتکب یکی از انواع قتل شده است؛ زیرا امروزه با پیشرفت علم طبی و استفاده از ابزارها و وسایل مدرن، بازگرداندن این‌گونه اشخاص به ظاهر مرده، به حالت اول و بهبودی کامل امکان دارد. (گودرزی ۱۳۷۴: ۳۲۴-۳۲۳)

ب. مرگ قطعی: این نوع مرگ هنگامی رخ می‌دهد که همه اعمال قلبی، عروقی، حسی، مغزی، حرکتی و تنفسی به شکل کامل از میان برود و برگشت آن‌ها امکان نداشته باشد. علائم مرگ حقیقی عبارت است از توقف جریان خون، توقف تنفس، اتساع و ثابت ماندن مردمک هر دو چشم و از میان رفتن امواج الکتریکی قلب و مغز.



معمولاً مرگ حقیقی سه تا پنج دقیقه پس از قطع تنفس و جریان خون و ظاهر شدن علائم پیش گفته، رخ می دهد: (همان، ۳۴۷)

ج. مرگ مغزی: به توقف برگشت ناپذیر همه اعمال مغزی گفته می شود. در مرگ مغزی، خون رسانی و اکسیژن رسانی به مغز متوقف می شود و همه کارکردهای مغز از میان می رود و بهبودی بیمار امکان پذیر نیست. اگرچه پس از مرگ مغزی، اعضای دیگر از جمله قلب، کبد، کلیه ها هنوز فعال است، ولی به تدریج در چند روز آینده از کار می افتد. بیمار مرگ مغزی قدرت تکلم و بینایی ندارد، به هیچ یک از تحریک های خارجی پاسخ نمی دهد و بدون استفاده از دستگاه تنفس مصنوعی قادر به تنفس نخواهد بود. از ظاهر بیمار نمی توان فهمید که او دچار مرگ مغزی شده است. حالت او مانند کسی است که در خواب عمیقی فرو رفته است و ریه هایش به کمک دستگاه تنفس مصنوعی «ونتیلاتور» از هوا پر می شود، قلبش نیز به سبب اکسیژن رسانی ضربان دارد و حتی پوست او گرم و به رنگ صورتی است. بیمار در پی مرگ مغزی هیچ گونه احساس درد و اندوهی ندارد. علل شایع مرگ مغزی، تصادف رانندگی، وارد آمدن ضربه شدید به سر، سقوط از ارتفاع، غرق شدن در آب، مسمومیت ها، خون ریزی های داخلی مغز و سکتۀ مغزی است. در حوزه های قضایی از مرگ مغزی به عنوان شاخص حقوقی مرگ یاد می شود. گما با مرگ مغزی تفاوت دارد و در واقع نوعی اختلال در کارکرد مغز است که شخص دچار کاهش شدید سطح هوشیاری می شود و به هیچ یک از تحریک های پیرامون خود پاسخ نمی دهد. در گما، شانس بهبودی برای برخی بیماران هست، در صورتی که در مرگ مغزی، بهبودی بیمار ناممکن و مرگ وی در چند روز آینده حتمی است. بنابراین زندگی نباتی، همان مرگ مغزی نیست، بلکه این حالت در پی گمارخ می دهد با اینکه شخص بیدار به نظر می رسد (چشمانش باز است) و اعضای او به صورت غیرارادی حرکت می کند، هیچ عملکرد ذهنی و شناختی ندارد. کسانی که دچار زندگی نباتی می شوند، بیمارانی هستند که در پی آسیب شدید مغزی، برای سال های متمادی زنده می مانند و به نظر هوشیارند، بدون اینکه بتوانند با محیط اطراف خود ارتباطی برقرار کنند. (کریمی

(۱۳۹۱: ۵۱-۵۰)

برای مفهوم شناسی مرگ، در متون عربی بخصوص قرآن معادل این کلمه از عباراتی مانند: «موت و فوت» استفاده شده که به مفاهیم گسترده‌تری نسبت به متون حقوقی اشاره دارد که راغب اصفهانی این نکته را در کتاب خود به خوبی اشاره کرده است.

«اول: مرگی و مردنی که نیروی نامیه یعنی رشد دهندگی که در گیاه و حیوان و انسان هست از بین برود؛

دوم: مرگ با از بین رفتن نیروی حواس؛

سوم: مرگی که نیروی عاقله انسان به وسیله آن از بین برود و همان جهالت است؛

چهارم: اندوه و حزن مرگ‌آفرینی که زندگی را مکدر و محزون سازد؛

پنجم: خوابی که برادر مرگ است؛ زیرا خواب مرگ سبک و خفیف است و مردن و مرگ خواب‌سنگینی است و به همین جهت خداوند این هر دو را - توفی - نامیده است». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۴۷۷-۴۷۶)

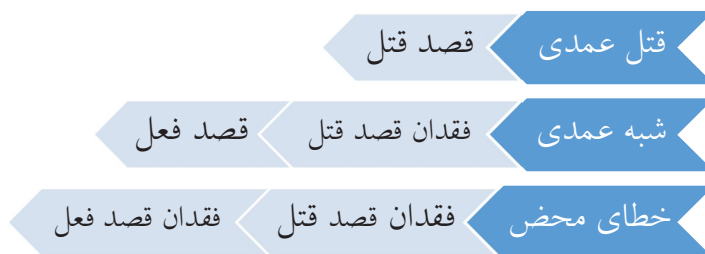
## ۲-۱. قتل

اصل قتل زایل کردن روح از جسد است؛ مثل مرگ و موت، ولی به کار بردن واژه قتل، به اعتبار کاری است که قاتل انجام می‌دهد و اگر به اعتبار فوت شدن حیات و زندگی باشد، موت به کار می‌رود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۳۹۳) خداوند عزوجل در مورد پیامبر می‌فرماید «محمد<sup>(ص)</sup> فقط فرستاده خدا است و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، شما به عقب برمی‌گردید؟». (آل عمران: ۱۴۴)

مرگ، صدمه نهایی است. همین نهایی بودن ایجاب می‌کند که مرگ را شدیدترین صدمه‌ای که می‌تواند به دیگری وارد شود دانسته و کسی را که بی‌هیچ عذر یا توجیهی، آن را به دیگری تحمیل کند، گناه‌کارترین مجرم بشناسیم. (۲۰۰۳، ۲۵۶ Ashworth) مرگ ویران‌کننده خوشی‌ها نام گرفته است، چنانکه پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> فرمودند: «أَكْثَرُ مَا مِنْ ذِكْرِ هَازِمِ اللَّذَاتِ. فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا هَازِمِ اللَّذَاتِ؟ قَالَ



الْمَوْتُ». (مجلسی، ۱۴۱۴، ۷۹: ۱۶۷) این نهایی بودن و ویران کنندگی، قتل را به حدی از مذموم‌ترین افعال قرار داده است که خداوند متعال فرموده است: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا»؛ (مائده: ۳۲) هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته است. مجازات چنین آدمی را در صورتی که به طور عمد مرتکب قتل شود، در آیه ۹۳ سوره نساء، خلود در آتش و عذاب بزرگ وعده داده است که مشمول غضب و لعنت خداوند قرار می‌گیرد. شاید از همین رو است که جرم قتل و سایر جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص (Offences against the person) در لسان فقها، جنایت نامیده شده که این واژه خود نشانه شدت زشتی این جرم است. (میر محمدصادقی ۱۳۸۶: ۲۱)



کود جزای افغانستان در ماده ۴۴ جرم عمدی را این‌گونه بیان کرده که البته قتل نیز مشمول آن می‌شود:

فقرة ۱: جرم وقتی عمدی شناخته می‌شود که قصد جرمی نزد مرتکب آن محقق باشد.

فقرة ۲: جرم در حالات ذیل نیز عمدی شناخته می‌شود:

الف. در صورتی که مرتکب به اجرای عمل یا امتناع از مکلفیت قانونی و نتایج آن آگاهی داشته، ولی با آن‌هم به ارتکاب عمل مخالف قانون یا امتناع از مکلفیت قانونی اقدام نموده باشد.

ب. در صورتی که شخص به موجب قانون یا موافقت‌نامه، به انجام وظیفه مکلفیت

داشته و از ایفای آن قصداً امتناع ورزد، به نحوی که امتناع وی منجر به وقوع جرم گردد. در ماده ۵۴۶ کود جزای افغانستان صراحتاً در تعریف قتل عمد چنین آمده است: «قتل عمد عبارت است از، از بین بردن حیات شخص زنده دیگر با داشتن قصد قتل».

قانون مجازات اسلامی ایران در ماده ۲۰۶ به بیان جرم قتل پرداخته و قتل در موارد ذیل را عمدی دانسته است که به نظر می‌رسد نسبت به تعریفی که در کود جزای افغانستان صورت گرفته، واضح‌تر باشد که به همین دلیل به آن اشاره می‌شود:

«الف. مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را دارد، خواه آن کار نوعاً کشنده باشد خواه نباشد، ولی در عمل سبب قتل شود.

ب. مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هر چند قصد کشتن شخص را نداشته باشد.

ج. مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می‌دهد، نوعاً کشنده نیست، ولی نسبت به طرف، بر اثر بیماری یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و امثال آن، نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد». پذیرش این ماده به عنوان تعریف جامع و مانع از قتل عمدی با توجه به تعاریف ارائه شده از سوی فقها در باب قتل عمدی با مشکل مواجه است؛ زیرا قتل عمدی عبارت است از «سلب عمدی حیات از دیگری بدون مجوز قانونی». (آقایی نیا ۱۳۸۶: ۲۰)

### ۳-۱. خودکشی

خودکشی (Suicide) عملی عمدی است که باعث مرگ فرد می‌شود و از نظر اخلاق اسلامی، یکی از افعال حرام و کبایر منصوصه است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا؛ (نساء: ۳۰-۲۹) و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد،





به زودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت؛ و این کار برای خدا آسان است. در تفسیر آیه مذکور بیان شده است که کلمه «عدواناً» و «ظلماً» به ترتیب اشاره به کشتن غیر و خودکشی دارد. (دست غیب ۱۳۸۳: ۱۲۷)

از حضرت امام علی<sup>(ع)</sup> روایت است که فرمود: «ان المؤمن يموت بكل ميتة غير انه لا يقتل نفسه فمن قدر على حقن دمه ثم خلى عن قتله فهو قاتل نفسه؛ مؤمن ممکن است به هر نوع مرگی بمیرد؛ اما خودکشی نمی کند. پس کسی که بتواند خود را حفظ کند و از قتل خود جلوگیری ننماید تا کشته شود، قاتل خود خواهد بود. (نهج البلاغه، خ ۳۷) در حدیث دیگری از حضرت امام باقر<sup>(ع)</sup> روایت است که فرمود: «ان المؤمن يبتلى بكل بلية ويموت بكل ميتة الا انه لا يقتل نفسه؛ به درستی که مؤمن به هر بلایی مبتلا می شود و به هر نوع مردنی می میرد، ولی خود را نخواهد کشت». (رحیمی ۱۳۹۲: ۲۷)

## ۲. اتانازی و انواع آن

أتانازی به چهار نوع تقسیم می شود:

### ۱- ۲. اتانازی فعال داوطلبانه

أتانازی فعال داوطلبانه زمانی است که تصمیم گیرنده خود بیمار است و از نظر بیماری در شرایط دشوار بوده و موقعیت او همراه با درد و رنج شدید است. در این نوع اتانازی دیگر بحث بیماری و درد و رنج نیست و کشتن از روی ترحم نیست، بلکه بر اساس فلسفه حیات از دیدگاه بعضی از مکاتب است که معتقدند خودکشی امری خصوصی مربوط به انسانها است.

### ۲- ۲. اتانازی غیرفعال داوطلبانه

أتانازی نوع دوم مانند نوع فعال داوطلبانه جنجال برانگیز نیست، بلکه نوعی از اتانازی است که بیمار، درمان خود را رد می کند تا در مرگش تسریع ایجاد شود. این در حالی است که اتانازی فعال غیر داوطلبانه در مورد بیمارانی به کار گرفته می شود که شرایط بسیار وخیمی دارند و پزشکان هم مطمئنند که درمان امکان پذیر نیست. پس

با تزریق داروی خاص به او مرگ راحت را هدیه می‌کنند، ولی در مورد دوم معمولاً ممکن است بیمار حتی حالت نباتی فاقد درد و رنج هم داشته باشد و با استفاده از مراقبت‌های ویژه سال‌ها به همین حالت باقی بماند؛ اما درمان وی ممکن نیست و نهایتاً هم با ترک کردن یا نکردن مراقبت‌های حیاتی منتهی به مرگ خواهد بود. (جوادی و نقوی ۱۳۹۵: ۴۸-۴۷)

### ۳-۲. اتانازی فعال غیر داوطلبانه

در این حالت پزشک بدون اجازه بیمار و علی‌رغم مخالفت وی اقدام به اعمالی می‌کند که باعث ختم شدن زندگی بیمار شود. از نمونه‌های این نوع اتانازیا می‌توان به کودک‌کشی اشاره کرد.

اتانازی کودکان نوعی اتانازی ناخواسته است که بر روی کودکانی که به نوعی بیماری لاعلاج جسمی و روحی که می‌بایست تا آخر عمر متحمل درد و مشقت زیاد شوند، انجام می‌شود. اریک کودیش و دانیل ای بیلز این عمل را با عمل کودک‌کشی مقایسه کرده‌اند. کودیش می‌گوید: «این نظر مهم که یک استاندارد پذیرفته شده درباره کودک‌کشی وجود دارد، ایجاب می‌کند تا در مقابل چنین امری ایستادگی شود». دیگرانی همچون جوزف فلیچر، بنیان‌گذار مکتب اخلاقی موقعیتی (Situational Ethics) که طرفدار اتانازی نیز است، اعتقاد دارد باید کودک‌کشی در مواردی که کودک با بیماری مادرزادی متولد می‌شود، آزاد باشد. وی عقیده دارد برخلاف آنکه کودک‌کشی گاهی توسط افراد بیمار و مجرم صورت می‌گیرد؛ اما اتانازی کودکان در واقع عملی انسانی است؛ شاخه‌ای از سقط‌جنین که منطقی و پذیرفته شده است. جاکوب ام اپل، اخلاق زیستی دان آمریکایی پارا از این هم فراتر می‌گذارد و معتقد است زمانی که صحبت از بیماری و رنج کودک در میان باشد، حتی اجازه پدر و مادر هم برای انجام این کار الزامی نیست.

در دسامبر ۲۰۱۳ مجلس سنای بلژیک قانون «قتل از روی ترحم» برای کودکانی با بیماری‌های لاعلاج را تأیید کرد. بلژیک نخستین کشوری است که اقدام به برداشتن محدودیت سنی برای کمک به مرگ بیماران لاعلاج کرده است؛ اما لایحه دارای چند



شرط است:

۱. بیماران باید آگاهانه در این مورد تصمیم بگیرند و معنای قتل از روی ترحم را درک کنند؛
۲. تقاضای آن‌ها باید مورد تأیید والدین و گروه پزشکی قرار گیرد؛
۳. بیماری باید لاعلاج باشد و هیچ درمانی برای کاهش درد و ناراحتی بیمار وجود نداشته باشد.

بلژیک در ۲۰۰۲، قانون قتل از روی ترحم را برای افراد بالای ۱۸ سال مبتلا به بیماری‌های لاعلاج، تصویب کرده بود.

#### ۲-۴. غیرفعال غیر داوطلبانه

این مورد از اتانازیا در صورتی قابل تصور است که بیمار یا اولیای وی نسبت به انجام آن رضایت قبلی نداشته و برخلاف حالت فعال که با فعل مثبت مادی صورت می‌گرفت در این مورد با ترک فعل صورت بگیرد؛ یعنی با ترک تداوی و قطع کردن دستگاه‌های حمایتی بیمار را به کام مرگ بکشاند.

#### ۳. ارکان تحقق قتل ترحم‌آمیز یا اتانازیا

کود جزای افغانستان صراحتاً تحت عناوینی چون اتانازیا، به‌کشی و قتل از روی ترحم، حکمی را بیان نکرده است، ولی به‌خاطری که این‌گونه قتل‌ها با انگیزه شرافتمندانه و ترحم‌آمیز صورت می‌گیرد شامل معاذیر قانونی و احوال مخففه قضایی می‌شود که در ماده‌های ۲۱۲ الی ۲۱۶ کود جزا مفصل به آن اشاره شده است. در ابتدا ارکان و عناصر متشکله جرم (Constituent Elements Of Crime) را توضیح داده و در ادامه ارکان تحقق اتانازیا در هر یک از تعاریف ارائه شده را مورد بررسی و تطبیق قرار می‌دهیم. قابل ذکر است که رضایت مجنی‌علیه فقط در دو مورد می‌تواند از اسباب اباحت قرار بگیرد، یکی در بازی‌های ورزشی که طبق اصول قبول شده ورزشی صورت گرفته باشد و دوم در حالت اجرای عملیات جراحی و دیگر اقدامات ضروری طبی است که البته مقصد آن بهبودی وضع مریض است نه خاتمه دادن

حیات وی، از این رضایت بیمار قبل از مرگش به دکتر برای خاتمه دادن حیاتش از اسباب اباحت شده نمی‌تواند. ارکان تحقق اتانازیا از این قرار است:

### ۱-۳. عمل مخالف قانون و امتناع از اجرای عمل قانونی (رفتار فیزیکی)

از آنجا که اتانازیا در قالب فعل (مانند تزریق مواد کشنده به بیمار)، ترک فعل (مانند خودداری از مراقبت‌های ویژه و دستگاه‌های حیاتی برای بیمار) و فعل ناشی از ترک فعل (مانند رها کردن بیمار در جای خطرناک و نرساندن مواد غذایی به وی) صورت‌پذیر است، باید واژه‌ای را که تمامی مصادیق را در بر بگیرد، استفاده نمود. به نظر می‌رسد کلمه رفتار یا عمل (conduct)، تمامی مصادیق را در خود گنجانیده است. به جای فعل، ترک فعل و فعل ناشی از ترک فعل از این کلمه (رفتار) استفاده شود. در حالت عادی فعل و ترک فعل و فعل ناشی از ترک فعل که منتهی به مرگ فردی شود، رفتاری مخالف قانون محسوب می‌شود.

یادآوری این نکته لازم است که ارتکاب جرم با فعل مثبت یا ترک فعل در شدت و خفّت مجازات تأثیر داشته که قانون‌گذار، در جرم‌انگاری و تعیین مجازات‌ها به این نکته توجه دارد.

### ۲-۳. رابطه سببیت

اشخاصی می‌توانند موضوع اتانازیا باشند که با بررسی وضعیت موجود و آینده وی، به یک نتیجه منطقی و عملی برسیم که با خاتمه یافتن زندگی به آرامش خواهند رسید. به عنوان مثال جوان ۲۶ ساله که هیچ‌گونه علائم بیماری ندارد و زندگی سالم و شادابی دارد، نمی‌تواند موضوع اتانازیا قرار بگیرد. بنابراین می‌بایست بین خاتمه دادن به زندگی و به آرامش رسیدن نیز یک رابطه معقول و منطقی وجود داشته باشد. نتیجه حاصله مرگ شخص بیمار بوده که با فعل یا ترک فعل شخصی دیگر اتفاق خواهد افتاد نه خود شخص بیمار. این فرد می‌تواند پزشک یا غیرپزشک باشد که البته با در نظر داشت قوانین و شرایط وضع شده فعلی برای تحقق اتانازیا، مرتکب باید یک پزشک باشد اگرچه در قدیم با روش‌های مختلف افراد عادی هم می‌توانستند مرتکب این عمل شوند.



قابل ذکر است که تحقق اُتانازیا نه تنها با استفاده از وسایل بدون درد امکان پذیر است، بلکه توسل به هر نوع وسیله حتی دردآور و زجرآور که باعث مرگ یک شخص شود، از مصادیق اُتانازیا محسوب می شود؛ مانند خودداری از مراقبت های پزشکی که به هیچ چیز توسل نشده و ترک فعل صورت گرفته است. این در حالی است که بعضی ها فقط توسل به وسایل بدون درد را از شرایط اُتانازیا تلقی نموده اند که اشتباه است.

### ۳-۳. نتیجه حاصله

با توجه به موضوع و شرایط اُتانازیا نتیجه آن خاتمه دادن به حیات دیگری است.

### ۳-۴. عنصر روانی

عمدی بودن رفتار در اُتانازیا حتمی بوده و مرتکب باید خواهان نتیجه حاصله باشد و بر اساس عواطف انسان دوستانه و از باب به آرامش رساندن شخص موضوع اُتانازیا، دست به این کار زده و کرامات انسانی نیز در این رفتار باید مدنظر گرفته شده باشد؛ یعنی مشکلات اقتصادی و ناتوانی های معیشتی و پیامدهای اقتصادی بعدی جهت ادامه حیات شخص، هیچ کدام نباید اُتانازیا را به بار آورد تا شخص با به کارگیری آن به خاطر مشکلات مذکور به آرامش برسد که این درست نیست.

## ۴. تطبیق تعاریف ارائه شده در مورد اُتانازیا با ارکان تحقق جرم در کود جزا

اتانازیا مصادیق مختلفی را در خود جای داده از همین لحاظ با تعاریف متعددی روبرو هستیم که در ضمن اشاره، هر یک را بر اساس ارکان تحقق جرم تطبیق می دهیم.

۱. واژه نامه حقوقی بلک: «اتانازیا فعل یا عمل بدون درد منتهی به مرگ اشخاصی

است که از بیماری غیرقابل درمان و دردناک رنج می برند. (Campbel

(Black1990, p 554

رفتار فیزیکی: فعل یا عمل بدون درد.

رابطه سببیت: فعل شخص دیگر باعث مرگ بیماری که غیر قابل درمان است،

می شود.

نتیجه حاصله: مرگ.

عنصر معنوی: فاعل با علم و آگاهی مرتکب این عمل می‌شود. قصد ارتکاب وجود دارد؛ اما به علت خاتمه دادن درد و رنج انگیزه مرتکب شرافتمندانه است.

۲. واژه‌نامه حقوقی بارونز: اتانازیا فعل یا عمل بدون درد خاتمه دادن به زندگی یک

انسان یا حیوان است. (H. Gifi, 1991, 168)

رفتار فیزیکی: فعل یا عمل بدون درد.

رابطه سببیت: موضوع می‌تواند انسان یا حیوان باشد که با فعل یا عمل بدون درد

شخص دیگر صورت می‌گیرد.

نتیجه حاصله: خاتمه دادن به زندگی.

عنصر معنوی: فاعل با علم و آگاهی مرتکب این عمل می‌شود. قصد ارتکاب

وجود دارد؛ اما به علت خاتمه دادن درد و رنج انگیزه مرتکب شرافتمندانه است.

واژه‌نامه عرف قضایی معاصر: مترادف با قتل ترحم‌آمیز است. (Garner 1995,

p 331)

۳. واژه‌نامه حقوقی دنیای جدید و بستر: اتانازیا عبارت از خاتمه دادن زندگی دیگری

با وسایل بدون درد به منظور جلوگیری از رنج و درد بیشتر. (Ellis wild 2006,p)

(136)

رفتار فیزیکی: هرگونه فرایندی اعم از فعل، ترک فعل یا فعل ناشی از ترک فعل.

رابطه سببیت: به‌طور مطلق هر شخصی که دارای درد و رنج است توسط شخص

دیگر با توسل به وسایل بدون درد به مرگ می‌رسد.

نتیجه حاصله: خاتمه دادن به زندگی دیگری.

عنصر معنوی (انگیزه): جلوگیری از رنج و درد بیشتر شخص دیگر با قصد و اراده

با انگیزه ترحم‌آمیز.

کمیته اختصاصی مجلس سنا در کانادا در تعریف اتانازیا آورده است: «عمل عمد

انجام گرفته به وسیله یک فرد با هدف پایان دادن به زندگی فرد دیگر برای خاتمه رنج



او در صورتی که آن عمل مرگ او باشد». (جعفریان، بی تا: ۱۰۰)

رفتار فیزیکی: عمل انجام گرفته به وسیله یک فرد (شخص دوم).  
 رابطه سببیت: فعل عمدی یک شخص باعث خاتمه دادن زندگی دیگری می شود.  
 نتیجه حاصله: پایان دادن به زندگی فرد دیگر.

عنصر روانی: عمد در رفتار و انگیزه، خاتمه دادن به رنج اشخاص با سوق دادن آن‌ها به مرگ با انگیزه بشردوستانه.

برخی اُتانازیا را مترادف با قتل آرام دانسته و در بیان تعریف اظهار داشتند: «قتل بیماری است که مشرف به موت است و بیماری او غیرقابل علاج است به رضایت و اذن او یا اذن اولیاء او...». (جعفری لنگرودی ۱۳۸۱: ۲۷۱)

رفتار فیزیکی: قتل (کشتن).  
 رابطه سببیت: قتل یک فرد بیمار (که بیماری او لاعلاج است)، توسط شخص دیگر با اذن خود بیمار یا اولیای او.  
 نتیجه حاصله: مرگ.

عنصر روانی: فعل عمدی با هدف پایان دادن به زندگی یک بیمار لاعلاج.  
 در جای دیگر اُتانازیا را از مصادیق قتل نفس دانسته و در تعریف آن بیان داشته اند: «اُتانازیا یا قتل از روی ترحم عبارت از نوعی قتل نفس است که با درخواست و تقاضا یا موافقت و رضایت مقتول (مجنی علیه) توسط قاتل که دارای انگیزه رحم یا شفقت یا انسان دوستی است انجام می گیرد». (رحیمی ۱۳۹۲: ۶۴)

رفتار فیزیکی: چون نوع رفتار اشاره نشده، رفتار می تواند فعل یا ترک فعل باشد.  
 رابطه سببیت: قتل یک شخص (بیمار یا سالم) توسط دیگری با اذن خود شخص.  
 نتیجه حاصله: مرگ.

عنصر روانی: عمد در کشتن و خواستن نتیجه فعل کشتن یعنی مرگ مجنی علیه با انگیزه بشردوستانه و ترحم آمیز نه از روی دشمنی.

برخلاف تعریف فوق که فعل کشتن را به قاتل نسبت داده است تعاریفی وجود دارد که مداخله نمودن پزشک را برای تحقق اُتانازیا شرط ضروری می دانند. (وقر

دوست، ۱۳۷۹: ۲)

با توجه به تعاریف ارائه شده و ارکان تحقق اُتانازیا که بیان شد، می‌توان اُتانازیا را این‌گونه تعریف نمود:

«رفتار عمدی توأم با اهداف انسان دوستانه و تحت نظر قرار دادن کرامات انسانی که منتهی به خاتمه دادن حیات دیگری شود (اعم از انسان و حیوان) نه خود شخص. به‌منظور رسیدن به آرامش و خلاص شدن از رنج و مشقت (که معمولاً متوجه بیماران می‌باشد) است».

البته اگر فوت با مساعدت پزشک صورت بگیرد که مصداق خودکشی با مساعدت پزشک خواهد بود. در غیر آن صورت خودکشی محض است که از دایره بحث اُتانازیا خارج است.

#### ۵. معاذیر قانونی و احوال مخففة قضایی

طبق فقره ۱ ماده ۲۱۲ کود جزا معاذیر قانونی، حالات و مواردی است که موجب معافیت، تخفیف جزا یا تبرئه از جزا می‌گردد. موارد معافیت، تخفیف و تبرئه کننده جزا در این قانون تصریح می‌گردد:

در فقره ۱ ماده ۲۱۳ کود جزا درباره حالات مخففة جزایی چنین آمده است: احوال مخففة مسئولیت جزایی عبارت از حالات و اوضاعی است که موجودیت یک یا چند مورد آن باعث تخفیف جزای مرتکب می‌گردد.

در فقره ۲ این ماده ۱۲ بند در رابطه با حالات مخففة مسئولیت جزایی بیان شده که از آن جمله در بندهای (۱، ۱۰ و ۱۲) آن مواردی بیان شده که مرتبط با مسئله قتل ترحم‌آمیز بوده و اسباب تخفیف مجازات شخص مرتکب آن را بیان نموده که قرار ذیل است:

«بند ۱- ارتکاب جرم به اساس انگیزه شریفانه».

در این بند اشاره به همان انگیزه مرتکب دارد که در تعاریف به آن اشاره شد که شخص مرتکب به خاطر خاتمه دادن درد و رنج بیمار لاعلاج با فعل یا ترک فعل خود حیات بیمار را به مرگ منتهی می‌کند، نه از روی قساوت و عداوت.





پس مطابق این بند شخص مرتکب شامل تخفیف شده، اگرچه جرم وی ثابت است.

بند ۱۰- ابرای مجنی علیه.

البته مسئله ابراء حالتی است که جرم تحقق یافته و در یک عمل اجرا شده قرار گرفته ایم و با حالتی که تحت عنوان رضایت مجنی علیه بیان شده، متفاوت است؛ زیرا در آن حالت رضایت قبل از ارتکاب جرم است که بحث رضایت مجنی علیه و تأثیر آن بر تخفیف و تعیین مجازات نقش بسزایی دارد که به طور جداگانه به بررسی گرفته می شود.

مطابق این بند در مواردی متصور است که شخص متضرر مادی یا معنوی شده؛ اما در قید حیات است، ولی در برخی موارد نیز این امر به سبب فوت مجنی علیه به بستگان اصلی او یعنی اولیای قانونی او واگذار می شود. در خصوص اتانازیا این بند در نوع اتانازیای اجباری قابل تصور است؛ آنجایی که شخص و اولیای قانونی وی نسبت به خاتمه دادن حیات بیمار به هر دلیلی ابراز نظر ننموده و پزشک معالج بدون در نظر داشت رضایت آن ها اقدام به اتانازیای بیمار کرده است. در این صورت جانی یا همان مرتکب، اگرچه از دید قانون مجرم به حساب می آید و بر اساس ماده ۵۴۷ کود جزا، مرتکب قتل عمد شده است.

«مرتکب قتل عمد در یکی از حالات ذیل به اعدام یا حبس دوام درجه ۱ محکوم می گردد:

۱. در حالتی که قتل با برنامه ریزی قبلی و ترصد همراه باشد.
۲. در حالتی که قتل با استعمال مواد سمی کشنده یا مواد انفجاری یا حریق صورت گرفته باشد.
۳. در حالتی که قتل با انگیزه دنی یا در برابر اجرت و یا با شکنجه و آزار و اذیت صورت گرفته باشد.
۴. در حالتی که مقتول موظف خدمات عامه بوده و قتل در اثنای اجرای خدمات یا در ارتباط به آن صورت گرفته باشد.

۵. در حالتی که قاتل قصد قتل بیش از یک نفر را داشته و به اثر یک عمل همه آنها به قتل رسیده باشند.

۶. در حالتی که قتل توأم با جنایت عمدی دیگر صورت گرفته باشد.

۷. در حالتی که قاتل به حبس دوام درجه ۱ محکوم شده، در خلال مدت تنفیذ حکم مرتکب قتل عمد دیگر گردیده باشد.

۸. در حالتی که قاتل بعد از قتل، جسد را مثله کرده باشد.

۹. در حالتی که مقتول از اصول قاتل باشد.

۱۰. در حالتی که قتل به منظور تمهید یا تسهیل و یا قادر شدن به ارتکاب جنایت یا جنحه‌ای که جزا آن کمتر از یک سال حبس نباشد و یا به منظور فرار یا رهایی از جزا صورت گرفته باشد.»

در بین این حالات، بند یک و دو را می‌توان از حالاتی دانست که شخص حین ارتکاب اتانازیای اجباری با آن مواجه است. لذا از مصادیق قتل عمد است که مجازات آن اعدام یا حبس دوام درجه یک است؛ اما با ابراء اولیای قانونی مجنی علیه و با وجود انگیزه ترحم‌آمیز که خلاص کردن بیمار از درد و رنج فراوان بوده، حسب مواردی که در احوال مخففه جزایی بیان شده که در اینجا همان ابراء اولیای قانونی مجنی علیه است، مورد تخفیف جزایی قرار می‌گیرد که اگر اعدام باشد به حبس دوام درجه ۱ (بیش از بیست سال تا سی سال) و اگر حبس دوام درجه یک باشد به حبس دوام درجه دو (بیش از شانزده سال تا بیست سال) تزل پیدا می‌کند.

بند ۱۲. سایر حالات مندرج این قانون یا حالاتی که محکمه از اوضاع و احوال مربوط به جرم و متهم استنباط می‌کند.

در مواردی از اتانازیای محکمه با بررسی اوضاع پیرامون می‌تواند به این نکته دست یابد که این عمل نه با انگیزه مجرمانه، بلکه با انگیزه شرافتمندانه صورت گرفته یا اینکه اکراه در انجام قتل وجود داشته که خود باعث تخفیف مجازات و به نظر برخی فقها باعث سقوط حق قصاص و دیه می‌گردد.

حالات دیگری نیز در رابطه با اتانازیای قابل تصور است؛ مانند تحریک به خودکشی



در حالتی که پزشک از بیمار انگیزه حیات را گرفته و با فراهم کردن مقدمات، وی را به ست مرگ سوق می‌دهد که در ماده ۵۴۸ کود جزا در فقره (۱) بیان می‌دارد که شخصی که دیگری را به خودکشی تحریک یا به نحوی در خودکشی وی کمک نماید و تحریک یا کمک منجر به خودکشی گردد، به حبس طویل تا هفت سال، محکوم می‌گردد.

قانون‌گذار در مورد اکراه در قتل در ماده ۵۴۹ کود جزا و نیز در فقره ۳ ماده ۱۱۷ نیز مطالبی را چنین باین کرده است:

«فقره ۱ اکراه در قتل موجب رفع مسئولیت از اکراه شونده نمی‌گردد. فقره ۲ هرگاه شخصی، دیگری را به قتل شخص دیگری اکراه کند، در صورت وقوع قتل، اکراه کننده به حبس دوام درجه ۱ و اکراه شونده به حبس طویل تا هفت سال، محکوم می‌گردند»؛ (ماده ۵۴۹، فقره‌های ۱ و ۲ کود جزا) اما محتوای آن با نظر فقهای که تحت این عنوان بحث کرده‌اند، متفاوت است و وجه افتراق آن در اکراه کننده است که در کود جزا، اکراه کننده شخصی غیر خود مجنی علیه است؛ اما در نظریات فقها اکراه کننده خود مجنی علیه است و از سویی هم به نظر برخی از فقها اکراه در قتل موجب سقوط قصاص و دیه می‌شود که در کود جزا برای شخص مکره مجازات تعیین نموده است.

از آنجایی که اکراه به دو نوع است که یک نوع آن مسئولیت آور (اکراه کامل) و در نوع دیگر آن (اکراه ناقص) شخص مکره، فاقد مسئولیت جزایی است. بنابراین منظور مقنن در کود جزا، اکراه ناقص است که شخص را دارای مسئولیت جزایی می‌داند؛ یعنی حالتی که شخص مکره راهی به غیر از آنچه اکراه شده انجام داده می‌تواند؛ اما در مورد جرم قتل با توجه به فقره ۲ ماده ۱۱۷ کود جزا می‌توان چنین گفت که منظور مقنن اکراه کامل بوده است. فقها نیز در خصوص قتل ترحم آمیز حالت الجاء یا اضطرار را بیان نموده‌اند که شخص در آن به دست دادن جان یا قطع عضو، ضربه‌ای که به اثر آن فرد از بین برود و حبس طولانی مدت بیم و هراس داشته باشد و راهی جز آنچه به آن اکراه شده را انجام داده نتواند. در فقره مذکور حالاتی بیان شده که در



صورت موجودیت آن حالات و شرایط شخص دارای مسئولیت جزایی دانسته نشده و این در حالی است که در فقره ۳ همین ماده ارتکاب قتل از حکم فقره ۱ ماده ۱۱۷ مستثنا شده است. بنابراین شخص مکره در جرم قتل، مسئول بوده و قابل مجازات است؛ زیرا قانون‌گذار خواسته تا به حق حیات افراد احترام بیشتر گذاشته و با کار این تا حدی راه معافیت افرادی که مرتکب قتل می‌گردند را ببندد تا از این تسامح قانونی سوءاستفاده نگردد. (شرح کود جزا ماده ۵۴۹، ۱۳۹۸، ۲۲۸).

### نتیجه‌گیری

اتانازیا می‌تواند با فعل یا ترک فعل صورت بگیرد؛ یعنی با انجام اقدامات پزشکی فرد به کام مرگ برسد یا با خودداری و استتکاف از تداوی و مراقبت‌های ویژه که البته از دید اخلاقی بین این دو حالت کشتن و رها کردن فرد به قصد کشتن، تفاوت‌هایی است.

فاعل در عمل ارتكابی اتانازیا شخص دیگری بوده، ولی در خودکشی با مساعدت پزشک مرتکب خود شخص است که در کود جزا برای معاون و تحریک کننده به خودکشی مجازات حبس قصیر تا هفت سال تعیین شده است.

انگیزه ارتکاب اتانازیا در تمامی تعاریف، انگیزه ترحم‌آمیز بوده اعم از اینکه این عمل بالای یک انسان تطبیق شود یا یک حیوان و هدف آن رهانیدن درد و رنج از انسان یا حیوانی است که قابل معالجه نبوده و درعین حال از بیماری سخت رنج می‌برد. وجود این انگیزه در ارتکاب جرم باعث صدور تخفیف در مجازات تعیین شده می‌گردد.

نتیجه تمامی انواع اتانازیا مرگ و خاتمه دادن زندگی است یا مستقیم با فعل مثبت یا ترک فعل که انواع اتانازیا را به علت داشتن عمد در فعل کشتن و داشتن عمد در نتیجه مجرمانه؛ یعنی کشتن می‌توان از مصادیق قتل عمد به حساب آورد.

اگرچه کد جزای افغانستان به افرادی که قتل یا یک جرم را با انگیزه ترحم‌آمیز و بشردوستانه انجام می‌دهند، تخفیف قائل شده است؛ اما وصف مجرمانه فعل را



نمی‌توان با انگیزه شرافتمندانه تغییر داد. قابل ذکر است که «انگیزه ارتکاب جرم اعم از شرافتمندانه و شیرانه از عناصر قصد جرمی به شمار نمی‌رود. بنابراین قتل با انگیزه ترحم و رهایی بیمار معالجه‌ناپذیر از زندگی پر از درد ورنج و مشقت سبب بود و نبود قصد جرمی نمی‌شود. در نتیجه وصف مجرمانه قتل را زایل نمی‌کند، حتی اگر قتل با رضایت، اضرار و خواهش بیمار صورت بگیرد. هنگام وجود قصد جرم، قتل از نوع عمدی و مجرمانه است اعم از این که قتل از روی دشمنی و شرارت انجام داده شود یا از روی عطف و ترحم». (کریمی ۱۳۹۱، ۹۲)

با وجود اینکه اکراه خود از موانع مسئولیت جزایی به حساب می‌آید اما قانون‌گذار در فقره ۳ ماده ۱۱۷ کود جزا جرم قتل را شامل این حکم نمی‌داند و مرتکب آن را در حالت مندرج فقره ۱ همین ماده، مسئول دانسته و خواسته به خاطر احترام به حق حیات شهروندان با این کار راه سوءاستفاده گران نسبت به جان افراد را مسدود نماید.

## فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

الف) منابع فارسی

۱. آقای نیا، حسین، (۱۳۸۶)، *جرائم علیه اشخاص (جنایات)*، تهران: نشر میزان.
۲. بنیاد آسیا، (۱۳۹۸ ه. ش)، *شرح کود جزا*، جلد سوم (کتاب دوم احکام اختصاصی)، نشر بنیاد آسیا، چاپ اول.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۱) *ترمینولوژی حقوق*، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۴. جعفریان، علی، (بی تا)، *پزشک و ملاحظات اخلاقی*، تهران: انتشارات برای فردا.
۵. جوادی، هدایت الله؛ نقوی، مهدی، (۱۳۹۵)، «*اتانازیا یا قتل از روی ترحم*»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۲۹، پاییز.
۶. دست غیب، سید عبدالحسین، (۱۳۸۳)، *گناهان کبیره*، قم: انتشارات جزایری.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۶ق)، *المفردات فی غریب الفاظ القرآن*، قم: نشر ذوی القربی.
۸. رحیمی، محمد مهدی؛ آقاسی محسن، (۱۳۹۲)، *بررسی ابعاد حقوقی فقهی اتانازیا (با رویکرد حقوق کیفری)* تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup>.
۹. سید قریشی، ماریه؛ سلطانی، محمد مهدی، (۱۳۹۵)، «*اتانازیا و تفاوت های فقهی، اخلاقی دو نوع فعال و انفعالی*»، پژوهش های اخلاقی، سال ششم، شماره چهار، ص ۷۸، تابستان.
۱۰. عمید، حسن، (۱۳۸۹)، *فرهنگ فارسی عمید*، یک جلدی، بی جا: انتشارات رهیاب نوین هور.



۱۱. کریمی، عبدالوهاب، (۱۳۹۱)، حقوق جزای اختصاصی، جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، ج ۲، کابل: نشر مؤسسه تحصیلات عالی ابن سینا.
۱۲. گودرزی، فرامرز، (۱۳۷۴)، پزشکی قانونی، تهران: انتشارات انیشتین.
۱۳. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۱۴ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۸۶)، جرائم علیه اشخاص، تهران: نشر میزان.
۱۵. وقر دوست، آرمین؛ نیک خواه ایبانه، حسین، (۱۳۷۹)، بررسی نگرش گروهی از پزشکان ایرانی نسبت به مقوله یوتانازیا، رساله دکترای پزشکی، تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی تهران.

#### ب) قوانین

۱۶. کود جزا، انفاذ فرمان تقنینی شماره ۲۵۶ مورخ ۱۴/۱۲/۱۳۹۵.

#### ج) منابع انگلیسی

17. Ashworth, A (2003), principle of criminal law, Oxford University press.
18. Campbel Black, Henry, Black's law dictionary, West publishing co USA, 1990.
19. Ellis wild, Susan, Webster's new world law dictionary, wiley publishing, 2006.
20. Garner, Bryan, A dictionary of modern Legal usage, Oxford university press, 1995.
21. H. Gifi, 1991.

